

## «فرهنگ» و «عامه» و فرهنگ عامه

در باب مفهوم فرهنگ تعریف‌های گوناگونی در کتاب‌های لغت و واژه‌نامه‌ها آمده است. از فشرده‌ی این تعریف‌ها برمی‌آید که آن چه را که مغز و بازوی انسان فراهم می‌آورد، پدیده‌های فرهنگی می‌نامند. در تعریف «ادوارد تایلر» انسان‌شناس معروف انگلیس آمده است که: فرهنگ یا تمدن، مجموعه‌ی پیچیده‌ایست که در برگیرنده‌ی دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگریست که به وسیله‌ی انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است.

امروز، حتا تعریف تایلر هم کافی نیست. تعریف فرهنگ، بحث و وقت زیادی می‌طلبد زیرا شمار آن از صدها و بل هزارها رسیده است. تنها دو انسان‌شناس آمریکایی ۱۶۴ تعریفی را که آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها از فرهنگ دارند، در یک کتاب فراهم آورده‌اند. مفهومی که فردوسی بزرگ ما از فرهنگ به دست داده است، از ذات زندگی و جوهر هستی مایه می‌گیرد:

ز دانا بپرسید پس دادگر	که فرهنگ بهتر بود یا هنر؟
چنین داد پاسخ به او رهنمون	که فرهنگ باشد ز گوهر فزون
که فرهنگ آرایش جان بود	ز گوهر سخن گفتن آسان بود
گهر بی هنر زار و خوار است و بسست	به فرهنگ باشد روان تندرست

### عامه

از «عامه» توده وسیع مردم یک جامعه مورد نظرند که ارزش‌ها و معیارهای ویژه، آنان را از گروه اندکی از خواص جامعه دور نگه می‌دارد. خواص جامعه معمولاً از ادب، دانش، شیوه‌ی زندگی و منزلت اجتماعی متفاوتی با توده وسیع مردم برخوردارند که چهارچوب‌های آن را معمولاً فرهنگ رسمی و نظام یافته تعیین می‌کند.

در عین حال جدایی مطلق بین این دو مقوله مورد نظر نیست چرا که از هم تاثیر می‌پذیرند. آن چه که به عنوان «فرهنگ عامه»، «فرهنگ مردم» یا «دانش عوام» یا «فرهنگ توده» و واژه‌ها و ترکیبات متعدد نظر آن مورد نظر است معادل اصطلاح «فولکلور» گرفته شده که در سال

۱۸۴۶ در نوشته‌های «ویلیام تامس» (با نام مستعار آمبروواز - مرتون Amberose Merton) آمده و به عنوان جامع‌ترین واژه‌ای که به مطالعه زندگی عوام در کشورهای متمدن می‌پردازد، پذیرفته شده است پژوهشگر فرهنگ مردم نه تنها به مجموعه ادبیات عامه - قصه‌ها، افسانه‌ها، آوازها، ترانه‌ها، مثل‌ها، معماها، لطیفه‌ها و غیر آن - می‌پردازد، بلکه تمام سنت‌ها، عادات، مشاهدات، باورداشت‌ها و آیین‌هایی را که در حیات پیش تاریخی و تاریخی یک قوم جاری بوده است و با اشکال و دگرگونی‌های متنوع، غالباً به صورت شفاهی از نسلی به نسلی سپرده شده، موضوع جستجو قرار می‌دهد.

این دستاورد در مرحله اول برای حفظ و مصون داشتن از نابودی است و سپس برای بهره‌گیری گسترده در دانش‌های گوناگون مانند: تاریخ، جغرافیا، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد و غیره.

### کله گرگی Kalle gorgi

گرگ و آفت آن، پدیده‌ای دلهره‌آور در میان دام‌داران و عشایر است و مبارزه با آن، اهمیتی خاص دارد. نابود کردن گرگ آیین‌ها و مراسم ویژه‌ای پدید آورده است که «کله گرگی» یکی از آن‌هاست:

\* در سیستان و بلوچستان رسم بر این است که اگر کسی یا کسانی گرگ را کشتند و نشانه آن را به دامداران عرضه کردند، پاداش دریافت می‌کنند. بهترین و قاطع‌ترین نشانه، نشان دادن سر بریده‌ی گرگ است. سر بریده‌ی گرگ را در سینی یا پارچه‌ای نهاده در مجلسی که با حضور بزرگان و دامداران تشکیل شده، به عرضه می‌گذارند و یا در روستاها و مناطق عشایری می‌گردانند. هرکس به فراخور حال خود یک یا چند راس بز یا گوسفند هدیه می‌دهد.

\* در بین دام‌داران سنگسری، سر گرگ را در محل استقرار سیاه‌چاله‌ها می‌گردانند و جایزه طلب می‌کنند. در مواقعی که چوپانان با حمله دسته‌جمعی گرگ‌ها مواجه باشند، اگر کسی گرگی را شکار کند، جایزه‌اش گوسفند است.

\* در منطقه خواره‌توران شاهرود اگر کسی گرگ را شکار کند، سرش را نزد دامداران می‌برد و آن را به طرف گله گوسفند پرتاب می‌کند، سر گرگ به هر گوسفندی اصابت کرد، آن گوسفند، جایزه کله گرگی است که به شکارچی داده می‌شود.

\* در میان عشایر الیکایی گرمسار هم این رسم جاری است و جایزه کله گرگ، معمولاً پول است. (علیرضا شاه حسینی، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، س ۲، ش ۲)